

تعلیم و تربیت دو عنصر مهمی است که در مقوله آموزشی نقش بسیار تأثیر گذاری را ایفا می کند. اما در محبث هنرپویژه موسیقی به دلیل ظرافت هایی که دارد این نگاه کمی متفاوت تر است، به همین دلیل از همان ابتدای توجه و شکل گیری هنر موسیقی، استادان با تجربه این موضوع را مدنظر داشته و نسل به نسل شاگردانی تربیت کرده اند که هریک دارای جایگاهی با ارزش در تاریخ موسیقی ایران هستند و این رسالت همچنان ادامه دارد. استاد نصرالله ناصح پور یکی از همین معلمان با تجربه، دلسوز و وفادار به استاد خود است. بررسی زندگی هنری نصرالله ناصح پور نشان می دهد که او همواره کلاس درس، تربیت شاگردان، پژوهش در حوزه موسیقی و فرهنگ سازی را به هر فعالیت هنری دیگری ترجیح داده است. او به دور از هر حاشیه ای در کنار تدریس، مشغول پژوهش در موسیقی و شعر بوده و حاصل کدندو کواهیش را به صورت مقاله یا کتاب منتشر کرده یا به صورت سخنرانی و برگزاری کارگاه به علاقه مندان به شرکت گذاشته است. اما نزدیک به سه سال است که این استاد بزرگ به دلیل بیماری، کلاس های آموزشی خود را تعطیل کرده و اوقات خود در خانه سپری می کند. او دوم آبان ماه یا به سن ۸۰ سالگی گذاشته است و نزدیک به ۶۰ سال از عمر ارزشمند خود را صرف تعلیم کرده است همچنان پرامید و با عشق به نسل آینده می نگرد. به انگیزه تولد او گفت وگویی با این خواننده، ردیف دان و مدرس آواز انجام داده ایم. در انتاج این گفت و گو خانواده استاد، نهایت همکاری و هماهنگی را به عمل آوردند.

نصرالله ناصح پور دوم آبان ماه سال ۱۳۱۹ در محله قدیمی اونچی میدان (محله آردفوشان) شهر اردبیل به دنیا آمد. پدرش آقا شکور از نوازندگان ساز گارمان (قارمون) بود و مادرش حوریه خانم در کنار خانه داری و تربیت فرزندان، سازقاول (دایره آذری) می نواخت. البته نوازندگی حرفه اصلی آقا شکور نبود و از این راه کسب و کار نمی کرد و درآمدی نداشت و تنها به دلیل علاقه شخصی و شور و عشق به موسیقی به این هنر گرایش پیدا کرد، اشتیاقی که تا به امروز در بین مردم آذربایجان مرسوم بوده و هست. علاوه بر این گرایش و علاقه مندی، ازسوی دیگر صدای خوب، میراثی بود که ناصح پور از خانواده پدری به ارث برده است؛ «پدرم صدای خوبی داشت و در برخی محافل خصوصی گارمان می نواخت و آوازی می خواند. همچنین پسرعمام آقا قدرت صدای رسایی داشت و مقام های آذری را به زیبایی اجرا می کرد و همین امر سبب علاقه مندی بنده به آواز شد».

در چنین خانواده ای ناصح پور با موسیقی اصیل آذربایجانی آشنا شد و پرورش یافت. این استاد انگیزه اش را به دوران کودکی خود مرتبط دانسته: «از کودکی با موسیقی آشنا بودم و این علاقه و انگیزه پیش تر در محیط خانواده در من شکل گرفته بود. البته در کنار موسیقی، تحصیلات هم مورد توجه پدر و مادرم بود. دوره متوسطه را در دبیرستان صفوی (در شهر اردبیل) و در رشته ریاضی گذراندم و دیپلم گرفتم. در آن سال ها زبان خارجی که در مدارس آموزش داده می شد زبان فرانسه بود و بعد از دوره ما، زبان انگلیسی را جایگزین کردند که تا به امروز هم ادامه دارد در واقع من آخرین نسلی هستم که با زبان فرانسه دیپلم گرفتم. بعد از فارغ التحصیلی به تهران مشرف شدم و در آن زمان تقریباً ۱۹ سالم بود و تصمیم داشتم ادامه تحصیل بدهم بنابراین در امتحان ورودی داشکده افسری شرکت کردم و اتفاقاً با نمره بالایی هم قبول شدم اما به دلیل مخالفت مادرم، از ادامه تحصیل در این داشکده صرف نظر کردم و پس از مدتی کوتاه توانستم در آزمون «بانک تجارتی ایران و هلند» شرکت کنم و خوشبختانه قبول شدم و کارم را در همان بانک شروع کردم».

اما این آزمون و حضور در بانک تقدیر و سرنوشت دیگری در زندگی نصرالله ناصح پور رقم زد: «آن دوران که در بانک ایران و هلند کار می کردم، یکی از مشتریان بانک استاد علی اکبر خان شهنازی بود. به یاد دارم در یکی از همان روزها و بعد از پایان ساعت کار، مشغول خواندن آواز برای همکاران بودم که از قضا استاد شهنازی هم بود، مرکز که علاوه بر دارا بودن خیابان محل کارم بود که متوجه صدای بنده شد و به طرف بانک آمد و مرا متوجه حضورش در پشت در شیشه ای بانک کرد. به سمت ایشان رفتم و گفتم بانک تحصیلی است. استاد شهنازی گفت: «کار بانکی ندارم. روی صحنم با خود شما است. صدایات را شنیدم و آمدم با بگویم حیف است از این صدای خوب استفاده نکنید. می خواهم شما را به استادان ارزشمند معرفی کنم تا موسیقی را به صورت جدی دنبال کنید...». و بعد آن روز و آن اتفاق خوشایند، استاد شهنازی من را به کلاس آقای محمود کریمی معرفی کرد و در هنرستان آزاد موسیقی ملی که ریاست آن برعهده زنده یاد محمد علی امیر جاهد بود مشغول به فراگیری آواز شدم. البته خود استاد شهنازی و دیگر استادان همچون حسین تهرانی در این هنرستان تدریس می کردند».

نصرالله ناصح پور پرورش یافته نسلی است که هر یک طلایه دار موسیقی ایران هستند، بزگانی همچون محمود کریمی، علی اکبر شهنازی و در نهایت، عبدالله دوامی. هر کدام از این شخصیت ها در ارائه و ترویج موسیقی تالش های بسیاری انجام داده اند که در تاریخ فرهنگ و هنر ایران به یادگار ثبت شده است. از محمود کریمی، ردیف آوازی به جا مانده که در سال های ۱۳۴۴ و ۱۳۴۵ تهیه و تنظیم شد. این ردیف، از نمونه های اصیل موسیقی ایرانی است که با تلاش دکتر محمد تقی مسعودیه و با همکاری هوشنگ ظریف و رحمت الله بدیعی نونویس شد. علی اکبر شهنازی هم از نوازندگان مشهور تار و از ردیف دان موسیقی سازی است که در مدت شش سال ردیف موسیقی ایرانی را از پدرش، آقا حسینقلی فراهانی آموخت و مدتی هم از محضر درویش خان بهره برد. عبدالله خان دوامی هم از استادان و ردیف دانان بزرگ موسیقی اصیل ایرانی است. به گفته روح الله خالقی، دوامی استاد برگزیده نواهای ضریی و تصنیف است. ناصح پور به مدت ۶ سال و چند ماه در محضر محمود کریمی، دوره متوسطه ردیف دوامی به روایت کریمی را فرا گرفت: «عشق به موسیقی و آموختن، مرا در مسیری قرار داد که نه می خواستم و نه می توانستم از آن خارج شوم و همین امر اشتیاقم را در پیمودن این راه و تعلیم، بیشتر کرد. بنابراین تصمیم گرفتم در محافل خصوصی هنرمندان شرکت کنم تا با دیگر استادان موسیقی آشنا شوم.

استاد نصرالله ناصح پور خواننده پیشکسوت، ردیف دان و مدرس آواز در گفت وگو با «ایران» از خاطرات خود و نقشی که در تعلیم موسیقی برعهده داشته است می گوید

نیم قرن مشق عشق و عاشقی

دوستی به قدمت چاووش

آشنایی من با استاد نصرالله ناصح پور به سال های خیلی قبل برمی گردد و با تأسیس کانون هنری چاووش این دوستی و آشنایی شکل نزدیک تر و صمیمی تری به خود گرفت. در آغاز تأسیس این کانون، سه کلاس برای آموزش رشته آواز دشر که در این سه کلاس



شهرام نظری خواننده پیشکسوت موسیقی ایران

عاشق فرهنگ و هنر ایران

آشنایی من با استاد نصرالله ناصح پور به سال ۵۴ برمی گردد، آن زمان به تازگی جذب گروه شیدا شده بودم و این ارتباط و دوستی شکل گرفت، البته پیش از آن در رادیو فعالیت داشتم و نام شریف آقای ناصح پور را از آقای لطفی شنیده بودم. زنده یاد لطفی از دوستان و یاران قدیمی آقای ناصح پور بود. تا آنکه واقعه ۱۷ شهریور سال ۵۷ رخ داد و بسیاری از هنرمندان از رادیو استعفا دادند و گروه شیدا فعالیت پنهانی ساخت. بعد از انقلاب آقای لطفی با همراهی دوستانی چون آقای هوشنگ ابتهاج کانون چاووش را تشکیل دادند. استاد ناصح پور در کانون چاووش حضور بسیار پررنگی داشت و به دلیل اینکه از کارمندان



هادی منتظری آهنگساز و نوازنده کمانچه

استادی با اخلاق و بزرگ منش

از پیش از ۳۰ سال گذشته افتخار شاگردی در محضر استاد نصرالله ناصح پور را داشته ام و از قدیمی ترین شاگردان استاد هستم که توانسته ام سه دوره ردیف آوازی ابتدایی، متوسطه و عالی را نزدشان بیاموزم و در پایان کار مفتخر و موفق به دریافت دسمت خط از آقای ناصح پور شده ام با این عنوان که ردیف عالی به طور کامل گذرانده شده است. استاد ناصح پور در کنار اخلاق حرفه ای و بزرگ منشی که در زندگی شخصی شاگردانش بسیار تأثیر گذار بود، در آموزش موسیقی بسیار جدی و سختگیر بودند و به همین عنوان اجازه نمی دادند هنرجو روش تدریس را ضبط کند چرا که براین نظر بود ضبط نمیت آموزشی بر سر کلاس توجه هنرجو را کمتری می کند و نمی تواند مفاهیم درسی را بدرستی متوجه شود و همین امر موجب شد ردیف های آقای ناصح پور را هیچ



محمد ملایقایی روزبهانی خواننده موسیقی ایرانی

علاوه بر ناصح پور از دیگر شاگردان عبدالله دوامی در زمینه آواز می توان به محمود کریمی، فخره صبا، مرصیه، خاطره پروانه، الهه و هما اشاره کرد و در مصاحبه ای که دوامی با محمدرضا لطفی انجام داده تأکید دارد در مرصیه و محمود کریمی این مسیر را به صورت جدی تر پیموذند و انگیزه بیشتری هم داشتند.

نصرالله ناصح پور علاوه بر سال ها تلمذ و تحقیق در محضر استادان بزرگ، یکی از چهره های درخشان کانون چاووش هم بود، مرکز که علاوه بر دارا بودن جایگاه اجتماعی مهم، توانست تحول و پیشرفت بسزایی در زمینه موسیقی سنتی ایران به وجود آورد. او آشنایی خود با محمدرضا لطفی پینانگذار کانون چاووش را به سال های دور مرتبط دانست: «خیلی سال پیش بود، آن زمان لطفی ۱۸ سال داشت و تازه به تهران آمده بود. یک روز در حال گذر از کوچه ارباب جمشید، صدای ساز و آواز از یک ساختمان، توجه اش را جلب کرد و به دنبال صدا وارد هنرستان شد. آقای میرزایی یکی از نوازندگان قدیمی و از شاگردان استاد شهنازی در حال نواختن تار بود و من در حال آواز خواندن و این دیدار، سر آغاز آشنایی من و لطفی شد. پدر محمدرضا لطفی نوازنده تار بود و همین امر سبب گرایش او به موسیقی شده بود. در آن دیدار نخست، لطفی گفت که او نیز علاقه مند به این ساز است و تار می نوازد. آقای میرزایی تارش را به لطفی داد تا تار ای مای نوازد. پس از شنیدن نوازندگی لطفی به او گفتم بیا به دفتر هنرستان برویم تا در کلاس استاد شهنازی ثبت نام کرده و نوازندگی تار را تکمیل کنند. آن روز مسیر هنری لطفی هم تغییر کرد و بعد از آن با تشویق بنده با استادهایی همچون عبدالله دوامی و سعید هرمزی هم آشنا شد تا با شرکت در کلاس های مختلف، روزیسن خوبی شود. یکی از آثار لطفی در پیش از انقلاب کنایی به نام «دستگاه شور» ردیف استاد عبدالله دوامی» بود به نویسندگی خودش که دو صفحه گرامافون ضمیمه این کتاب است با آواز بنده که در آن صفحه ها لطفی جواب آواز شور را با تار نواخت و در رادیو هم تصنیف «همه شام من اختر شام» سروده عارف قزوینی را به همراه گروه شیدا و به سرپرستی محمدرضا لطفی اجرا کردم».

نصرالله ناصح پور از هنرمندان تأثیر گذار موسیقی آوازی در کانون چاووش است. این هنرمند به همراه استادان محمدرضا شجریان و شهرام نظری سال ها در این کانون مشغول به تدریس موسیقی بودند با این تفاوت که ناصح پور تمرکز و تأکیدش بیشتر بر پرورش هنرجو بوده در حالی که شجریان و ناظری بیشتر به تولید آلبوم و اجرای کنسرت می پرداختند. «بعد از انقلاب به کانون فرهنگ و هنری چاووش تشکیک شد، کلاس های آواز من را در آنجا دایر کردم البته عضو شورای عالی کانون چاووش هم بودم و دیگر اعضای شورا آقایان محمدرضا لطفی، حسین علیزاده و علی اکبر شکارچی بودند و به دعوت دوستان، جایگزینی

بخش مالی این کانون را هم برعهده گرفتم. اما چند

سال بعد که «چاووش» بسته شد کلاس هایم را به منزل منتقل کردم. اگر اشتباه نکنم آغاز تدریس در خانه از آن ۶۲ بود. البته علاوه بر خانه، در مشهد، فرهنگخانه مازندران واقع در شهر ساری و بعدها هم در مکتب خانه میرزا عبدالله که لطفی پس از بازگشتش از آمریکا را از راه اندازی کرده بود تدریس موسیقی را ادامه دادم. حدود ۱۰ سال هم در پردیس کرج دانشگاه هنر تهران به تدریس تصانیف قدیمی و جواب آواز مشغول بودم و به ندرت پیش می آمد کلاس هایم را تعطیل کنم. ناگفته نماند بعد از انقلاب، در هنرستان چنگ هم مدرس آواز بودم.

لطفی و به همراهی تنیک ناصر فرهنگ فر که خواننده تصنیف «ز من نگارم» در آن آلبوم بنده بودم و در ابتدا نام خواننده عنوان نشده بود اما بعدها که این آلبوم باز نشر شد اسم من هم به عنوان خواننده تصنیف درج گردید. «سرودهای آذربایجانی» و «به یاد درویش خان» دو اثری بودند که در دوران چاووش کار کردم که بسیار مورد توجه قرار گرفت. البته پس از بازگشت لطفی از آمریکا در آلبوم دیگری به نام «به یاد نور علی خان برومند» آواز خواندم. در این آلبوم تعدادی از اعضای قدیمی گروه شیدا و هنرمندان جوان تری حضور داشتند با عنوان «گروه هموزان شیدا» و سرپرست آن گروه هم لطفی بود. این آلبوم در دستگاه شور اجرا شد و اجرای او تصنیف «شنیدم شاهی و هم ماهی» ساخته علی اکبر شیدا و «چه شورها» ساخته عارف قزوینی برعهده من بود.»

نصرالله ناصح پور در تربیت و پرورش هنرجو تلاش های بسیاری انجام داده؛ جشید عندیلبی (در زمینه ردیف و جواب آواز)، محمود مخدوم، صدیق تعریف، ودود مودن، سعیده سعیدی، بهرام باجلان، محمد ملاقلی روزبهانی، عذرا زالی، پانته آ الوندی پور، ناصر مهرورز، رضا شاکری، محسن نامجو و احمد بیربوند (در رشته آواز) از شاگردان مطرح او هستند که هر کدام مسیر از هنر موسیقی را انتخاب کرده و ادامه دادند. اما همان طور که پیش تر اشاره شد ناصح پور دانش موسیقایی خود را بیشتر از هر استاد دیگرش و امدا ر عبدالله دوامی می داند و این شیوه را با جان و دل حفظ کرده و اشاعه داده است. او شیوه آموزشی خود در زمینه آواز را وامدار میرانداران هنر موسیقی دانست: «آن زمان که در هنرستان های چاووش و چنگ به کار تدریس مشغول بودم ردیف استاد عبدالله دوامی را آموزش می دادم اما بعد از بازنگشتی، یعنی از سال ۶۸ به بعد، آرام آرام تلاش کردم ردیف و شیوه آموزشی خود را تکوین کرده و تدریس کنم، شیوه ای بر اساس ردیف های استادان قدیمی چون ردیف آقا حسینقلی و میرزا عبدالله و مخصوصا ردیف استاد عبدالله دوامی و البته همراه با گوشه های جدید مانند «نوروز صبا» یا «عزرا» که به ردیف استاد دوامی اضافه کردم. بسیاری از گوشه ها را هم سعی کرده ام با اشعار و تحریرهای جدید بازسازی کنم».

نکته قابل توجه در هنر آوازی ناصح پور این است که به آنکه زبان مادری اش آذری است و همواره شاگردانش را ترغیب می کرد به خوانندگان مکتب تبریز مانند اقبال آذر توجه ویژه ای داشته باشند اما در روش تدریس خود همواره به ردیف دوامی وفادار ماند: «در آلبوم سرودهای آذربایجان و کنسرت با هایلبل علی اف، موسیقی آذری که اجرا کردم مبتنی بر موسیقی مقامی و عاشیقی آذربایجان بود و چون تأثیر گذارترین استادم در زمینه موسیقی، استاد دوامی بود وظیفه خود می دانستم روش استادم را آموزش بدهم. البته در برخی محافل خصوصی تصانیف قدیمی آذری می خواندم اما هیچ کدام از این کارها را به صورت رسمی ضبط نکرده و نشر و نیاز ندارم.» و تعداد کم آثار موجب شد مردم از صدای این استاد بزرگ محروم شوند: «درست است که کارهای کمی ضبط کرده ام احساس می کنم بسیار اثر گذار بوده اند. زیرا سعی کردم در اجرای این آثار اصالت موسیقایی حفظ شود. حتی در آلبوم «نوبانگ کهن» به سرپرستی آقای حسین علیزاده سعی کردم گوشه های آواز را با آن اصالتی که از استاد دوامی آموخته بودم اجرا کنم. به هر روی همانگونه که بارها تأکید کرده ام علاقه اصلی بنده تدریس موسیقی بود و دوست نداشتم خودم کلاس هایم به هم می ریخت. از طرفی تلاش کردم تا خوانندگان مستقلی را تربیت کنم و از شاگردانم همواره می خواستم ردیف را دقیق یاد بگیرند ولی هیچ گاه مانند من نخوانند و هر کدام یک سبک و شیوه موسیقی آوازی را دنبال کردند چرا که تأکید بنده هم این بوده که هر خواننده باید شیوه هنری خود را دنبال کند. نکته دیگر اینکه در کلاس هایم فقط به نحوه اجرای گوشه های ردیف بسنده نکرده و آوازن شعری را هم آموزش می دادم و علم عروض را به مدت یک سال و نیم نزد استاد هوشنگ ابتهاج آموختم. آن زمان به منزل ایشان می رفتم و از جلسات «آوازن شعری» نزد ایشان بهره بردم».

از دیگر آثار ماندگار این استاد بزرگ، پژوهش در زمینه موسیقی قدیم ایران است. ناصح پور شرح مفصلی بر بخش موسیقی رساله دره التاج علامه قطب الدین شیرازی نوشته است: «این کتاب یک دانشنامه بزرگ درباره تمام علوم مطرح در ایران آن زمان است و دارای بخش های مختلفی بوده و موسیقی به عنوان فن چهارم بخش ریاضی این دانشنامه مورد بررسی علامه قرار گرفته شده است.» او نگاهی دیگر به نسل امروز هنرجویان موسیقی دارد: «متأسفانه امروزه کمتر کسی به موسیقی اصیل مبتنی بر ردیف های استادان می پردازد و بیشتر خوانندگان تصانیف سنتی را با رنگ و بو پای اجرا می کنند چرا که احتمالا در آمد بیشتری برای آنان دارد.» ناصح پور مدت زمانی هم در خانه موسیقی و در کانون خوانندگان سنتی حضور داشت: «بنده چند دوره عضو هیأت مدیره خانه موسیقی بودم و در آن



عکس: عطا یونسی

استادان ناصح پور و شجریان و بنده مدرس آواز آن بودیم. آقای ناصح پور از شاگردان قدیمی و باصلاحیت استاد عبدالله خان دوامی بودند. ایشان بخش زیادی از عمر ارزشمند خود را در راه تدریس آواز ایرانی به طور صحیح به هنرآموزان صرف کرد.

عالی رتبه بانک بود و عشق به فرهنگ و هنر ایران و همچنین دوستی قدیمی با آقای لطفی، بدون دریافت وجهی انجام کارهای حسابداری چاووش را برعهده گرفت و بعد از آن آرام آرام کلاس های آموزشی در چاووش تشکیل شد و من به تدریس کمانچه و آقای لطفی تار و آقایان شجریان، نظری و ناصح پور آواز تدریس کردند. استاد ناصح پور طی سال ها فعالیت هنری خود با مهر و عشق به تربیت شاگردان بسیاری پرداخته است، اگرچه بعد از تعطیلی کانون چاووش این ارتباط ها کمتر و کم رنگ شد اما خاطرات خوش آن دوران پر مهر و هنرمندان نازنینی همچون استاد ناصح پور را فراموش نخواهیم کرد و برایشان آرزوی سلامتی دارم.

گاه فراموش نکنیم و در ذهنمان ثبت شود. اما نکته ای که باید در هنرو بخصوص در موسیقی آوازی به آن توجه شود نقش تأثیر گذار استادان و مدرسین در تربیت خوانندگان است اما متأسفانه در بین هنرمندان بیشتر دریایان کار مفتخر و موفق به دریافت دسمت خط از آقای ناصح پور بزرگی همچون آقای ناصح پور بی مهری و بی توجهی داشته اند و می باید برای چنین معلمان بزرگی، بزرگداشت های بیشتری برگزار می کردند و قدر و منزلت آنها بیشتر نگاه داشته شود. من این افتخار را داشته ام به غیر از آموزش ردیف استاد دوامی، مرکب کونی و آوازن شعر و موسیقی را هم در محضر استاد ناصح پور تلمذ کنم و از وجود ایشان بهره های بسیاری برده ام و وجودشان برای من غنیمت و دوست داشتنی است و برایشان آرزوی سلامتی دارم.



هنرستان چنگ. محمدرضا درویشی، ناصح پور، فرهاد فخرالدینی، بیگچه خانی و محمد تقی مسعودیه



کنسرت آذربایجان، نصرالله ناصح پور، زنده یاد استاد هایلبل علی اف و پیمان ناصح پور



کنسرت ناصح پور، بیگچه خانی و بیژن کامکار هنرستان چاووش



فرخ نظری، مجید درخشانی، حسین علیزاده، ناصح پور، سفاواتی و نثر یقش سر جشید عندیلبی

سال ۷۵ در تور کنسرت «گروه هموزان شیدا» به سرپرستی محمدرضا لطفی در چند شهر اروپا شرکت کرد. در ضمن در دوده اخیر بیشتر با برگزاری سخنرانی ها و کارگاه های متعدد- چون کارگاه گوش تهران در خانه هنرمندان ایران- نتیجه پژوهش های خود را با علاقه مندان در میان گذاشت و اما آخرین اجرای او در پیهشت سال ۹۴ و در مراسم بزرگداشت زنده یاد استاد «عبدالله خان دوامی» بود، در سالن آمفی تئاتر پروفیسور حسایی در شهر تفلیس که زادگاه استاد دوامی است. در آن بزرگداشت ناصح پور با داریوش طلابی به اجرای آواز شور و ماهور پرداختند.

آن زمان محمدرضا گرگین زاده، دکتر محمدتقی مسعودیه و پرویز مصوری، محمدرضا درویشی، علی اکبر شکارچی و دیگر هنرمندان هم در این مرکز تدریس می کردند. البته نحوه آموزش در «چنگ» نسبت به «چاووش» فرق داشت. در چاووش تمامی سازهایی که تدریس می شد سنتی بودند اما در چنگ علاوه بر سازهای سنتی، گیتار، ویولن و پیانو و دیگر سازهای غربی هم تدریس می کردند اما متأسفانه در همان اوایل دهه شصت آموزشگاه چنگ هم بسته شد.»

او به دورانی اشاره دارد که در آلبوم های یک تا دوازده که از سوی این کانون منتشر شد همکاری

جای تأسف است که ردیف های آوازی نصرالله ناصح پور هیچ گاه ضبط و ثبت نشد و این امیدواری وجود دارد شاگردانش با ضبط آثار استاد خود مسیر هنری او را حفظ و ادامه دهند. ناصح پور در طول سال ها فعالیت هنری اش به دلیل مشغله زیاد در کلاس داری و پژوهش در موسیقی، در زمینه اجراهای صحنه ای حضور زیادی نداشت گرچه پیش و پس از انقلاب کنسرت هایی هم اجرا کرد. به عنوان مثال سال ۵۶ همراه با علی نقی افشاری و پوشنگ کامکار در انجمن فرهنگی ایران و فرانسه کنسرت به یادماندنی اجرا کرد، اما اولین کنسرت رسمی و اثر گذار او پس از انقلاب

بخش مالی این کانون را هم برعهده گرفتم. اما چند سال بعد که «چاووش» بسته شد کلاس هایم را به منزل منتقل کردم. اگر اشتباه نکنم آغاز تدریس در خانه از آن ۶۲ بود. البته علاوه بر خانه، در مشهد، فرهنگخانه مازندران واقع در شهر ساری و بعدها هم در مکتب خانه میرزا عبدالله که لطفی پس از بازگشتش از آمریکا را از راه اندازی کرده بود تدریس موسیقی را ادامه دادم. حدود ۱۰ سال هم در پردیس کرج دانشگاه هنر تهران به تدریس تصانیف قدیمی و جواب آواز مشغول بودم و به ندرت پیش می آمد کلاس هایم را تعطیل کنم. ناگفته نماند بعد از انقلاب، در هنرستان چنگ هم مدرس آواز بودم.